

ارتقای آگاهی سوسیالیستی و روحیه انترناسیونالیستی در بیاتیه های اول ماه مه کارگران



اول ماه مه روز جهانی کارگر فرامی‌رسد. اول ماه مه روز اتحاد و مبارزه طبقه کارگر علیه نظام سرمایه‌داری و هرگونه استثمار و ستم و بهره‌کشی است. اول ماه مه روزی است که کارگران در سراسر جهان با تظاهرات و راهپیمایی و برگزاری میتینگ و اعتراض خیابانی، همبستگی بین‌المللی و عزم و اراده واحد خود را برای نابودی نظم پوسیده سرمایه‌داری و استقرار نظامی نوین و سوسیالیستی به نمایش می‌گذارند. اگرچه ویروس کرونا و دولت‌های

در صفحه ۳

مبلغ، مروج و مجری نابرابری و خشونت علیه زنان در جایگاه پاسدار بین‌المللی مقام زن!

ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی جزء معدود کشورهای جهان است که در آن نه فقط برابری زن و مرد آشکارا به شکلی رسمی انکار شده، بلکه زنان با انواع و اقسام تبعیض، آزار و خشونت که از سوی دولت دینی تبلیغ و حمایت می‌شود، مواجه‌اند. اما در جهان سرمایه‌داری، دولتی از نمونه جمهوری اسلامی، رسواترین رژیم زن‌ستیز هم که باشد، مانع از آن خواهد بود که در زد و بند میان دولت‌ها به افتخار پاسدار مقام زن نائل آید و وظیفه جهانی "ارتقاء برابری جنسیتی" و "رفع خشونت" بر عهده آن قرار گیرد.

روز ۳۱ فروردین‌ماه، دولت‌های عضو شورای اقتصادی-اجتماعی سازمان ملل، جمهوری اسلامی را که نماد رسواترین دولت زن‌ستیز در پامال کردن حقوق انسانی زنان و اعمال بی‌رحمانه‌ترین تبعیض و خشونت بر زنان در ایران است به عضویت در کمیسیون مقام زن سازمان ملل، برای چهار سال آینده برگزیدند. کمیسیونی که گویا مأموریت آن، ارتقاء برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان در کشورهای جهان است. اولویت کمیسیون مقام زن هم، مشارکت کامل و مؤثر زنان در زندگی اجتماعی و تصمیم‌سازی‌ها، رفع خشونت برای حصول به برابری جنسیتی و توانمندسازی تمام زنان و دختران اعلام‌شده است.

بعید است کمتر دولتی را در سراسر جهان بتوان یافت که از نابرابری، تبعیض و خشونت‌های بی‌شماری که زنان در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی با آن روبه‌رو هستند، اطلاعی نداشته باشد. پس چه شد که جمهوری اسلامی توانست از ۵۴ رأی کشورهای عضو شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل، ۴۳ رأی را به دست آورد. اگر فرض کنیم که تمام دولت‌های آسیایی، آفریقایی و آمریکای لاتین عضو این شورا با ۳۸ رأی، به جمهوری اسلامی رأی داده باشند که بعید است، چراکه مناسبات رژیم با برخی از این دولت‌ها تیره است، باز هم جمهوری اسلامی برای انتخاب به ۵ رأی دیگر نیاز داشت. تنها شق ممکن این است که دولت آمریکا و دولت‌های اروپایی که ظاهراً ادعای دفاع از حقوق زنان را دارند، به رژیم زن‌ستیز جمهوری اسلامی رأی داده باشند. در واقعیت هم این اتفاق رخ داد. دلیل آن هم روشن است. آنچه تعیین‌کننده سیاست دولت‌هاست، منافع اقتصادی و سیاسی

در صفحه ۲

گوشه‌هایی از جنایت و سرکوب جمهوری اسلامی به روایت گزارش‌های بین‌المللی

در روزهای اخیر دو نهاد بین‌المللی گزارش‌هایی درباره اعدام‌ها و موج سهمگین سرکوب روزنامه‌نگاران و فعالان رسانه‌ای منتشر کرده‌اند. این گزارش‌ها نشان می‌دهند دستگاه اعدام و سرکوب در ایران همچنان به کار خود ادامه می‌دهد.

یکی از این گزارش‌ها از سوی سازمان عفو بین‌الملل منتشر شده است. طبق این گزارش در سال ۲۰۲۰ تعداد اعدام‌ها در ایران که در سال ۲۰۱۹ بالغ بر ۲۵۱ نفر بود، با کاهش ناچیز به ۲۴۶ نفر رسیده است. عفو بین‌الملل تعداد احکام اعدام‌ها در سراسر جهان را، (به جز چین، که به گفته این سازمان آمار اعدام‌ها را مخفی نگاه می‌دارد) ۱۴۷۷ مورد و تعداد اعدام‌های انجام شده را ۴۸۳ مورد اعلام کرده در صفحه ۸

واکسن پولی بر فراز لبه تیغ مرگ

موج چهارم اپیدمی کرونا، پرشتاب‌تر از دوره های قبل اوج گرفته است. توده های مردم ایران، بویژه ساکنان تهران بر لبه تیغ زهر آگین کشتار و مرگ نشسته اند. آمار مرگ و میر روزانه بر اساس همان داده های وزارت بهداشت رشد چشمگیری داشته و در روزهای معینی به بیش از ۴۵۰ نفر در روز هم رسیده است. تهران با مرگ و میر بیش از ۱۵۰ بیمار کرونایی در روز، یک سره سوگوار و سیاه پوش است. سردخانه ها به کلی پر شده اند، کارکنان بهشت زهرا با سه شیفت کاری فشرده، از تدفین انبوه کشته شدگان روزانه باز مانده اند. گورستان بزرگ تهران، روز ۳۱ فروردین ۱۴۰۰، با تدفین ۳۵۰ فوتی، رکورد ۵۰ ساله تاریخ گشایش

در صفحه ۶

گرانی، تورم، بلای جان مردم

روز چهارشنبه اول اردیبهشت، حسین‌زاده رئیس مرکز آمار ایران اعلام کرد تورم ماهانه فروردین به ۲/۷ درصد، تورم نقطه به نقطه به ۴۹/۵ درصد و تورم سالانه به ۳۸/۹ درصد رسیده است. اگر چه همین آمار رسمی نیز بیان گر یکی از بالاترین نرخ‌های تورم در جهان است، اما واقعیت برای کارگران و زحمتکشان بسیار دردناکتر از تمامی ارقام است. مردمی که روزانه شاهد غرق شدن هر چه بیشتر در فقر هستند، مردمی که سال از پی سال سفره‌های‌شان کوچکتر شده است، مردمانی که با پوست و گوشت و استخوان خود ظلم و ستم طبقاتی را حس کرده و از آن نفرت پیدا کرده‌اند، مردمی که فریاد برآورده‌اند: "ظلم و ستم کافیه، سفره ما

در صفحه ۵

مبلغ، مروج و مجری نابرابری و خشونت علیه زنان در جایگاه پاسدار بین‌المللی مقام زن!

آن‌هاست و نه ادعاهای توخالی برخی از این دولت‌ها در مورد دفاع از حقوق زنان، حقوق بشر و امثال این ادعاها.

اکنون دوره آشتی‌کنان دولت آمریکا با جمهوری اسلامی است و این دولت به‌اتفاق دول اروپایی می‌خواهند به جمهوری اسلامی نشان دهند که تغییر سیاست دولت آمریکا در قبال جمهوری اسلامی جدی و همه‌جانبه است. اما بر سر عضویت رژیم به‌غایت زن‌ستیز در کمیسیون مقام زن، معضلی برای آمریکا و کشورهای اروپایی وجود داشت که در ظاهر خود را طرفدار حقوق زنان معرفی می‌کنند. می‌بایستی آن را بر طرف کنند تا گویا کسی متوجه نشود کدام دولت‌ها به این رژیم زن‌ستیز رأی داده‌اند. این معضل را نیز نماینده دولت آمریکا با درخواست رأی‌گیری مخفی حل کرد. ماجرا پایان یافت و حالا مستثنا از این‌که سازمان ملل و کمیسیون مقام زن هرگز نتوانسته و نمی‌توانند یکی از معضلات بزرگ جهانی را که ریشه در ساختار اجتماعی و طبقاتی نظم سرمایه‌داری حاکم بر جهان دارد، حل کنند، وظیفه آن را بر عهده کمیسیونی قرار می‌دهند که یکی از اعضای آن جمهوری اسلامی است و وظیفه مبرم آن "رفع خشونت برای حصول به برابری جنسیتی و توانمندسازی تمام زنان و دختران" است.

بیباید این واقعیت عریان و بر همگان آشکار را که در جمهوری اسلامی برابری زن و مرد از بیخ و بن انکار شده و در قوانین رسمی دولت دینی زن نصف مرد و تابع و زیر دست او اعلام شده و نیز تبعیض‌های بی‌شماری که زنان در عرصه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و سیاسی درگیر آن هستند، کنار بگذاریم. فقط ببینیم دولتی که عضو کمیسیونی است که وظیفه جهانی رفع خشونت را برای حصول به برابری جنسیتی بر عهده دارد، چه فجایع وحشتناکی در ایران، به بار آورده است.

وقتی که صحبت از خشونت علیه زنان پیش می‌آید، اغلب به این واقعیت اشاره می‌شود که در تمام جهان سرمایه‌داری، خشونت علیه زنان وجود دارد و استناد می‌شود به آمار سازمان‌های بین‌المللی که می‌گویند از هر سه یا ۵ زن یک نفر در طول زندگی خود خشونت جسمی یا جنسی را تجربه می‌کند. تردیدی نیست که در سراسر جهان سرمایه‌داری تبعیض و خشونت نسبت به زنان وجود دارد اما این به آن معنا نیست که تفاوتی وجود ندارد و در تمام کشورها ابعاد این خشونت و یا اشکال آن یکسان است. این متوسط‌سازی که مورد استناد رژیم زن‌ستیز جمهوری اسلامی و توجیه گران جنایات آن نیز قرار می‌گیرد، تحریف کامل تمام ستم و جنایتی است که تحت حاکمیت دولت‌های دینی اسلام‌گرا بر زنان اعمال می‌شود. فرق بزرگی است میان کشورهایی که

در آن‌ها دین از دولت جداست، آزادی‌های سیاسی وجود دارد، برابری حقوقی زن و مرد به رسمیت شناخته شده، قوانین سخت‌گیرانه‌ای در مورد خشونت نسبت به زنان وجود دارد، با کشوری که یک دولت دینی اسلام‌گرای استبدادی بر آن حاکم است که آشکارا برابری زن و مرد را انکار می‌کند و پاسدار سنت‌های ارتجاعی قرون وسطایی است.

واقعیت این است که در هیچ‌یک از کشورهای جهان به‌جز یک دولت دینی از نمونه جمهوری اسلامی را نمی‌توان جایی سراغ گرفت که دولت خودش مبلغ و مروج خشونت علیه زنان باشد و خودش روزمره علیه زنان به خشونت متوسل شود.

در ایران تحت حاکمیت دولت دینی، معضل فقط این نیست که نابرابری وجود دارد، تبعیض وجود دارد، بلکه زنان ایران در هم‌جا از خانه و محل زندگی گرفته تا کوچه و خیابان، محل کار، هم‌روزه با بی‌شمار مواردی از خشونت عریان در اشکال مختلف دولتی و غیردولتی روبرو هستند. جمهوری اسلامی از آنجائی که یک دولت دینی است، بنا به خصالت و وظیفه دینی اسلامی‌اش که باید مقررات ارتجاعی قرون وسطایی را در جامعه حاکم سازد و پاسدار مردسالاری، خانواده سنتی- اسلامی باشد، خود مبلغ و مروج اشکال متعددی از خشونت علیه زنان است. آشکارا در قوانین رسمی‌اش این شرایط را فراهم کرده است که زنان با انواع خشونت، جسمی، جنسی، اقتصادی و روانی روبرو باشند. در کمتر دولتی به‌جز یک دولت دینی از نمونه جمهوری اسلامی، قانون به مرد حق داده است که برای به تبعیت و داشتن زن او را مورد آزار و اذیت جسمی، جنسی، اقتصادی و روانی قرار دهد. از همین روست که آمار خشونت خانگی در ایران در تمام جهان نظیر ندارد. دو سال پیش اعلام شد ۶۶ درصد از زنان ایرانی در دوران عمرشان خشونت خانگی را تجربه می‌کنند. گزارش‌های دیگر حاکی است که این خشونت علیه زنان در دوران کرونا ۲۰ تا ۳۰ درصد افزایش یافته است. این آمار فقط مربوط به خشونت است که زنان در خانه با آن مواجه‌اند. بر طبق گزارش رئیس سازمان پزشکی قانونی، در سال ۹۸، ۸۵ هزار و ۴۲۰ زن که مورد خشونت شوهرشان قرار گرفته بودند، به پزشکی قانونی مراجعه کردند. گرچه پلیس ادعا می‌کند کمتر از ۳۵ درصد از خشونت‌های خانگی به پلیس یا اورژانس اجتماعی گزارش می‌شود، اما پوشیده نیست که این رقم باید پائین تر از آن چیزی باشد که پلیس جمهوری اسلامی اعلام می‌کند.

دلیل آن‌هم صرفاً ناشی از ناآگاهی، عقب‌ماندگی فرهنگی و سنت‌های پوسیده نیست، بلکه اساساً

قوانین ضد زن موجود، نبود قوانین حمایتی و دستگاه قضائی مردانه و اسلامی است که نماندها مشکلی از مشکلات زنان را حل نمی‌کند، بلکه گاه به محکومیت خودزن می‌انجامد.

این خشونت خانگی مردسالارانه به درجه‌ای است که هر سال ده‌ها تن زن توسط شوهر، پدر، یا دیگر مردان خانواده به‌سادگی به قتل می‌رسند یا زیر فشار خشونت‌های متعدد، خودکشی می‌کنند.

ایران کشوری است که رژیم ارتجاعی حاکم بر آن، رسماً اجازه داده است که دختر کودکانی که سن آن‌ها به ۱۳ سال رسیده باشد به ازدواج مردان درآیند و مورد تجاوز جنسی و جسمی قرار گیرند. بگذریم از این‌که ازدواج‌های اجباری که قوانین جمهوری اسلامی پشتوانه آن است و ابعاد میلیونی دارد، آن‌هم شکل دیگری از خشونت و تجاوز جنسی است.

ایران کشوری است که پلیس، دستگاه قضائی و امنیتی رژیم خود مستقیماً به خشونت و اعمال قهر علیه زنان متوسل می‌شوند. حجاب اجباری نوعی از این خشونت علیه زنان است. تخلف از آن نیز با خشونت شدیدتر، ضرب و شتم زنان توسط پلیس، حتی در مراکز و معابر عمومی، محکومیت به حبس و شلاق همراه است. در جمهوری اسلامی فعالان حقوق زن و زنان فعال سیاسی با وحشیانه‌ترین خشونت‌های پلیس و بازجوهای دستگاه امنیتی مواجه‌اند.

کمتر کسی است که از شکنجه‌های وحشیانه و آزارهای جسمی و جنسی و تجاوز بازجوهای دستگاه امنیتی جمهوری اسلامی به زنان در زندان‌های رژیم بی‌اطلاع باشند.

آزار جنسی زنان در کوچه و خیابان و محل کار، دیگر واقعیتی چنان عریان است که به بخشی از زندگی روزمره زنان در ایران تبدیل شده است.

شرایط وحشتناک اقتصادی که رژیم حاکم پدید آورده است، زنان را در ایران بیش از هر زمان دیگر در معرض خشونت‌های جنسی و حتی تجاوز در محل کار قرار داده است. این خشونت‌ها عموماً به خاطر ترس از فقر، از دست دادن کار و موقعیت شغلی به سکوت برگزار می‌شود. پیامد آن نیز تأثیرات مخربی است که به لحاظ روحی و روانی بر زنان برجای می‌گذارد.

در یک دولت استبدادی نظیر ایران که فسادهای متعدد سرتاپای آن را فراگرفته است کم نیست مواردی که زنان توسط مقامات و صاحب‌منصبان دولتی مورد آزار و تجاوز قرار گرفته و از ترس مجازات سکوت کرده‌اند. چراکه اگر کار به افشاگری بیانجامد حتی خطر مرگ زن را تهدید می‌کند. نمونه‌هایی از آن‌که حتی توسط دستگاه امنیتی به قتل رسیدند چند سال پیش افشا گردید. نمونه جدیدتر آن به‌ظاهر خودکشی زهرا نوید پور بود که پس از افشاگری علیه یک نماینده تجاوزگر مجلس رژیم، خبر خودکشی او انتشار یافت.

ابعاد خشونت علیه زنان و حتی تجاوز جنسی در ایران به حدی است که مکرر اخباری از تجاوزهای گروهی به زنان به سطح مطبوعات

ارتقای آگاهی سوسیالیستی و روحیه انترناسیونالیستی در بیانیه های اول ماه مه

سرمایهداری مسبب شیوع گسترده آن، موانعی بر سر راه تظاهرات و راه پیمائی‌های وسیع کارگری در اول ماه مه ایجاد نموده اند، اما طبقه کارگر در اول ماه مه به اشکال گوناگون، عزم و اراده خود را برای تغییر نشان داده و ضرورت نابودی نظم کهنه و جایگزینی آن با نظمی نوین را یادآوری می‌کند.

طبقه کارگر ایران نیز که گردانی از ارتش بی‌شمار کارگران و جزئی از طبقه کارگر جهانی است، با شور و اشتیاق به استقبال اول ماه مه می‌رود. کارگران ایران در اول ماه مه در اشکال گوناگونی روز جهانی کارگر را پاس داشته و اتحاد و همبستگی خود را با کارگران جهان اعلام می‌دارند. تجارب جنبش کارگری ایران در گویای این واقعیت است که کارگران ایران در طی یک قرن اخیر، هم‌ساله به استقبال روز جهانی کارگر رفته‌اند و بسته به موقعیت و شرایط، در شکل‌های متنوعی از تظاهرات خیابانی و اشکال علنی و گسترده گرفته تا اشکال نیمه علنی و مخفی، مراسم‌هایی به مناسبت اول ماه مه برگزار نموده‌اند. کارگران ایران در اول ماه مه، بیانیه‌ها و قطعنامه‌هایی نیز به همین مناسبت انتشار داده و به طرح مهم‌ترین خواست‌ها به‌ویژه خواست‌های سیاسی خویش پرداخته‌اند.

امسال اول ماه مه در شرایطی فرارسیده است که شوربختانه موج چهارم و گسترش بیماری کرونا روزگار مردم را سیاه کرده و مرگومیر بسیار بالای ناشی از آن، مرز ۴۵۰ نفر در روز را نیز پشت سر نهاده است. کشتار وحشتناک کرونا که رژیم ارتجاعی پاسدار منافع طبقه سرمایه‌دار حاکم، مسئول و مسبب اصلی آن است، گرچه قلب‌ها را فشرده و به درد آورده، اما آتش مبارزه طبقاتی و اول ماه مه را در دل طبقه کارگر خاموش نساخته است.

امسال نیز به مناسبت اول ماه مه، تاکنون چندین بیانیه از سوی کارگران انتشار یافته است و بی‌شک تا چند روز آینده بیانیه‌های دیگری نیز از سوی تشکل‌های مستقل کارگری نیز انتشار خواهند یافت. موضوع جالب‌توجه این است که امسال کارگرانی که فاقد تشکل علنی و مستقل هستند از نمونه کارگران فولاد اهواز و کارگران غیررسمی نفت، در صدور بیانیه اول ماه مه پیش‌قدم شده‌اند، چنانکه در اعلام موضع و درمورد حداقل دستمزد سال ۱۴۰۰ نیز کارگران نفت پیش‌قدم شده بودند.

از آنجاکه مضمون دو بیانیه انتشار یافته توسط کارگران فولاد اهواز و کارگران غیررسمی نفت تا حد زیادی می‌تواند سطح آگاهی سیاسی درمیان کارگران فولاد و نفت را بازتاب دهد، نگاهی به آن‌ها می‌اندازیم.

بیانیه کارگران گروه ملی صنعتی فولاد اهواز به مناسبت روز جهانی کارگر که ۳۱ فروردین

۱۴۰۰ انتشار یافت، با شادباش‌های کارگری و پاس داشت اعتصابات و قیام‌های کارگری در جهان و یادآوری شلاق‌هایی که برگرد کارگران ایران در آق دره، پارس‌خودرو و شرکت واحد فرود آمد، آغاز می‌شود و روز جهانی کارگر را "نماد" مبارزه طبقه کارگر می‌داند. در ادامه ضمن اشاره به دستمزدهای ناچیز و شرایط تحمیلی سرمایه‌داران بر کارگران و معضلات مصائب بی‌شماری که "سیستم حاکم" را مسبب آن می‌داند، از بی‌لیاقتی حکومت در مورد مقابله با بیماری کرونا و اختصاص واکسن به روحانیون و مزدوران حاکم پرده برمی‌دارد آنگاه می‌نویسد: "جغرافیای ما را کرونا سیاه نکرده است چون سیه‌روزی مردم کشورمان به دست همین آقایان و شبکه‌های مافیایی و نظامی‌شان رقم خورده است در صورتی که بحران‌هایی مثل تحریم و کرونا برای طبقه کوچک سرمایه‌داران به فرصتی طلائی و نعمتی بی‌پایان تبدیل شده است". بیانیه بلافاصله پس از تشریح اوضاع جامعه از ضرورت تغییر و دگرگونی بنیادی و زیربنایی آن توسط طبقه کارگر متشکل، از ضرورت ایجاد "تشکلات کارگری" سخن گفته و می‌نویسد: "مجموع این موارد نشان می‌دهد که جامعه‌ی ما نیاز به دگرگونی‌های گسترده و زیربنایی دارد و طبقه‌ی کارگر تنها نیرویی است که در صورت متشکل شدن، توان مقاومت در برابر هر شکلی از نظام استثمار و استبداد را خواهد داشت.

اتحاد طبقاتی ما و متحدانمان می‌تواند پیام‌آور جامعه‌ای عادلانه و آزاد باشد و این کنش‌ی طوفان‌زده را به ساحل بنشاند.

برای اینکه قدمی در راه حصول مطالبات مشترکمان برداریم نیازمندیم تا تشکیلات کارگری را در همبستگی باهم برپا کنیم و دستاوردهای عظیم جنبش کارگری جهان را نقطه‌ی آغاز قرار دهیم". بیانیه ضمن اشاره به تاریخ غرورآمیز مبارزات طبقه کارگر و ضرورت دفاع از دستاوردهای تاکنونی آن از جمله "حق تشکل" چنین پایان می‌یابد: "این تاریخ ثابت کرده است تنها نیرویی که می‌تواند پرچمدار عدالت اجتماعی در جامعه باشد، طبقه کارگر متحدی است که کمیته‌ها و شوراهای سرتاسری‌اش به همین منظور قد علم می‌کنند.

ما کارگران گروه ملی صنعتی فولاد ایران (اهواز) با این چشم‌انداز علیه ظلم و بیداد می‌جنگیم و برای سقف مطالبات کارگری اعم از مسکن و رفاه همگانی، بیمه بیکاری و درمانی مکفی، اعتراضات و اجتماعات آزاد، آموزش رایگان و امنیت شغلی همپیمان می‌شویم و در کوره‌های ذوب‌آهن بر مشت‌های فولادین خود حک می‌کنیم تا در مسیر لغو استثمار انسان از انسان دست از سازمان‌دهی و مبارزه طبقاتی برداریم.

ما کارگران آهنیم؛ ریشه ظلم رو می‌کنیم روز جهانی کارگر گرامی باد"

واقعیت این است که کارگران مبارز و آگاه فولاد در کوره مبارزات و اعتصابات چندساله اخیر خود از هر نظر آبدیده شده‌اند. آگاهی سیاسی و تشکل یابی به نحو آشکاری درمیان کارگران فولاد رشد نموده و ارتقا یافته است. اتحاد و یکدستی و همبستگی کارگری در فولاد بسیار بالا و مثال‌زدنی است که یک نمونه آن را در دفاع یکپارچه از دو تن از همکاران خود (حسین رضایی و قریب حویزای) که به دستور مدیریت، روز ۱۰ فروردین ۱۴۰۰ از ورود آن‌ها به شرکت ممانعت به عمل آمد، نشان دادند. واکنش سریع و یکپارچه و تجمع کارگران در دفاع از رفقای خود در روز ۱۱ فروردین و مقابله با دسیسه مدیریت برای اخراج این دو نفر که مقدمه اخراج‌های وسیع‌تر بود، کارفرما را عقب راند. کارگران فولاد به‌درستی و همان‌طور که خود گفته بودند، با اتحاد و همبستگی، معادلات و نقشه‌های مدیریت را برهم زدند. صرف‌نظر از اعتصابات و مبارزات گسترده چند سال اخیر و فعالیت چشمگیر کارگران پیشرو، کارگران گروه ملی صنعتی فولاد اخیراً نیز با دایر کردن کانال "صدای مستقل کارگران گروه ملی صنعتی فولاد ایران" در تلگرام، فعالیت‌های خوبی را سازمان داده و در مورد اغلب مسائل مهم کارگری نیز موضع‌گیری کرده‌اند. کارگران از همان آغاز فعالیت این کانال، ضمن تأکید برتشکل کارگری تصریح کردند از حقوق و منافع طبقه کارگر دفاع نموده و تا "لغو استثمار و بردگی" صفوف خود را محکم‌تر ساخته و به مبارزه ادامه خواهند داد. بیانیه اول ماه مه کارگران فولاد، تنها نمونه‌ای از همین تلاش‌ها و فعالیت‌ها است.

بیانیه کارگران غیررسمی نفت در گرامی داشت روز جهانی کارگر که ۳۱ فروردین ۱۴۰۰ انتشار یافت، فرازهای عالی‌تری از آگاهی طبقاتی و مبارزه طبقه کارگر را انعکاس می‌دهد و گویای این واقعیت است که نفت بعد از اعتصاب تیرماه، به‌ویژه اعتصاب گسترده و فراگیر مرداد ۹۹ که فصل جدیدی را در مبارزات و جنبش کارگری ایران گشود و دستکم ۲۵ هزار کارگر در آن شرکت داشتند، با شتاب فزاینده‌ای دامنه حضور فعال و محسوس خود را در مبارزات کارگری و جنبش طبقه کارگر گسترش می‌دهد. توگویی نفت بر آن است غیبت ۲۵ ساله خود را به‌سرعت جبران کند. کارگران مبارز غیررسمی نفت که بخش اعظم کارگران نفت را تشکیل می‌دهند در ظرف ۹ ماه اخیر، اطلاعیه‌ها و بیانیه‌های گوناگونی انتشار داده و در مورد مسائل مختلف موضع‌گیری نموده‌اند. اینکه حداقل مزد هیچ کارگری نباید از

مبلغ، مروج و مجری نابرابری و خشونت علیه زنان در جایگاه پاسدار بین‌المللی مقام زن!

تحت سانسور رژیم کشیده است. نمونه اخیر تجاوز یک مرد جنایتکار به ده‌ها زن که مدت‌ها مسکوت مانده بود و بالاخره در پی مبارزاتی که زنان در شبکه‌های اجتماعی در افشای تجاوز و آزار جنسی به راه انداخته‌اند، برملا گردید، فقط می‌تواند در کشوری رخ دهد که زنان با گسترده‌ترین و بیرحمانه‌ترین خشونت مواجه‌اند. خشونتی که بر زنان، تحت حاکمیت دولت دینی در ایران اعمال می‌شود، بسیار گسترده‌تر از آن است که به آن اشاره شد.

در کارزاری که گروه‌هایی از زنان در شبکه‌های اجتماعی در افشای فقط یک جنبه از خشونت علیه زنان، "افشای تجاوز و آزار جنسی" به راه انداخته‌اند، آشکار شد که چگونه افرادی شناخته‌شده و حتی مورد اعتماد گروه‌هایی از مردم با سوءاستفاده از موقعیت اجتماعی و محبوبیت خود در آزار جنسی و تجاوز به زنان دست داشته‌اند. مهم نیست که این شیدان تجاوزگر به اعمال شنیع خود اذعان کنند یا آن را انکار نمایند. چراکه قراری نیست مسائلی که ابعاد اجتماعی بزرگی دارند با افشاکاری‌های فردی حل گردند. به‌ویژه هنگامی که شرایط استبدادی داخلی و مانع جمهوری اسلامی، اجازه نمی‌دهد ابعاد گسترده‌ای در داخل ایران پیدا کند. آنچه در این میان مهم است، خود این افشاکاری‌ها به‌عنوان وجهی از مبارزه زنان علیه خشونت جنسی و جرت و شهامت برملا کردن خشونت‌های جنسی ناگفته‌ای است که پنهان داشتن آن خودش یک آزار روحی و جسمی برای زنان است و افشای آن به آگاهی زنان دیگر ولو در محدوده کوچکی هم که باشد یاری می‌رساند.

اقدام دولت‌های عضو سازمان ملل در انتخاب رژیم زن‌ستیز جمهوری اسلامی به عضویت کمیسیون مقام زن بار دیگر به آن‌هایی که توهمات به این سازمان‌های بورژوازی و دولت‌های عضو آن از جمله مدعیان دروغین حقوق بشر و حقوق زن دارند می‌آموزد که جز خود مردم ایران و مبارزه آن‌ها کسی نجات‌بخش آن‌ها نیست. به‌ویژه زنان هرگز نمی‌توانند از این همه نابرابری، تبعیض و خشونت رها گردند مگر آن‌که مقدم بر هر چیز دولت دینی حاکم بر ایران سرنگون شود، دین و دولت به‌کلی از یکدیگر جدا گردند، برابری حقوق اقتصادی-اجتماعی و سیاسی زنان کاملاً به رسمیت شناخته شود، تمام قوانین و مقررات زن‌ستیز جاروب شوند و مبارزه همه‌جانبه‌ای علیه تمام سنت‌ها، رفتار، فرهنگ و رسوم قرون وسطایی ضد زن، سازمان داده شود.

این وظائف در ایران تنها از عهده یک دولت شورایی کارگری ساخته است که نه فقط توده‌های ستمدیده مردم ایران را بر سر نوشت خود حاکم خواهد ساخت، بلکه برای دگرگونی تمام ساختار اقتصادی-اجتماعی موجود که سرمنشأ اسارت زن است، اقدام خواهد کرد.

ارتقای آگاهی سوسیالیستی و روحیه انترناسیونالیستی در بیانیه های اول ماه مه کارگران

از همین رو علاوه بر تأکیدی که داشتیم بر خواست‌های سراسری دیگر چون برابری زن و مرد در تمام عرصه‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی و لغو هرگونه تبعیض جنسیتی علیه زن با خواست، رفاه و شادی برای همه کودکان لغو کار کودک، حق تشکل، تجمع، آزادی بیان و وسیع‌ترین آزادی‌ها، آزادی بدون قید و شرط تمامی زندانیان سیاسی و لغو مجازات اعدام و پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات، پایان دادن به سودجویی‌های سرمایه‌داران و تخریب محیط زیست، پایان دادن به اختلاس‌ها و دزدها و برچیده شدن حقوق نجومی تأکید می‌کنیم. اول ماه مه روز اتحاد مبارزاتی ما ۹۹ درصدی‌های جامعه برای رهایی از توحش و بربریت سرمایه‌داری و برای داشتن جامعه‌ای شایسته انسان است.

با برافراشتن پرچم اول ماه مه این روز همبستگی جهانی کارگری را گرمی می‌داریم. کارگران غیررسمی نفت ۳۱ فروردین‌ماه ۱۴۰۰"

در بیانیه‌های اول ماه مه که در بالا به آن‌ها اشاره شد، ارتقای آگاهی سوسیالیستی، روحیه انترناسیونالیستی، موضع‌گیری رادیکال علیه تمامیت نظام بهره‌کشی و دفاع قاطع از سوسیالیسم نمایان است. بدون شک بیانیه‌های دیگری که بعداً این از سوی کارگران و تشکل‌های مستقل به مناسبت اول ماه مه انتشار خواهد یافت از همین خصوصیت برخوردار خواهند بود و مضمونی شبیه این‌ها خواهند داشت. این بیانیه‌ها به سهم خود، بیان رشد میزان آگاهی سیاسی کارگران و در کلیت خود نشانگر ارتقای آگاهی سیاسی طبقه کارگر است.

کارگران ایران و بخش پیشروتر آن هر ساله در اول ماه مه در قطعنامه‌ها و بیانیه‌های این روز، پرچم مهم‌ترین مطالبات سیاسی خود را برافراشته‌اند از ضرورت نابودی نظام سرمایه‌داری و استقرار جامعه‌ای برابر و آزاد و فارغ از هرگونه ستم و تبعیض و استثمار سخن گفته‌اند و در اشکال گوناگونی این روز را گرمی داشته‌اند. بی‌شک امسال نیز علی‌رغم تمام سرکوب‌ها و محدودیت‌های کرونایی و غیر کرونایی، آغوش خود را به روی اول ماه مه می‌گشایند و به استقبال آن می‌روند.

بباید امسال با خواباندن گسترده چرخ‌های تولید و تعطیلی کار و در اشکال مناسب و مؤثر دیگری به استقبال این روز بزرگ و تاریخی کارگری برویم و همبستگی عمیق طبقاتی خود را با کارگران سراسر جهان در مبارزه مشترک علیه نظام سرمایه‌داری و برای استقرار سوسیالیسم اعلام کنیم.

۱۲ میلیون تومان کمتر باشد، نخستین بار در اوایل بهمن ۹۹ توسط کارگران نفت مطرح شد. سپس دو تشکل مستقل کارگری، سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس‌رانی تهران و حومه و سندیکای کارگران نیشکر هفت‌تپه و ۷ تشکل دیگر در بیانیه مشترکی که ۲۶ بهمن ۹۹ انتشار یافت رقم ۱۲ و نیم میلیون تومان را عنوان کردند و کارگران فولاد نیز در بیانیه جداگانه‌ای مورخ هفتم اسفندماه ۹۹ از این خواست حمایت کردند.

بیانیه کارگران غیررسمی نفت به مناسبت اول ماه مه، خواهان نابودی تبعیض و استثمار و نابرابری و برقراری رفاه و عدالت و شادی و برابری شده است. کارگران غیررسمی نفت در بیانیه خود به‌صراحت از یک آلت‌ناتیب شورایی و کارگری طرفداری نموده‌اند. کارگران نفت خواهان آزادی بی‌قید و شرط زندانیان سیاسی، وسیع‌ترین آزادی‌ها از جمله آزادی بیان و تشکل و تجمع شده و از روز اول ماه مه به‌عنوان روز اتحاد و مبارزه کارگران برای رهایی از توحش و بربریت نظام سرمایه‌داری سخن گفته‌اند. بیانیه کارگران غیررسمی نفت گرچه کوتاه اما بسیار پر مضمون است. متن کامل این بیانیه به شرح زیر است:

"بیانیه کارگران غیررسمی نفت در گرامیداشت روز جهانی کارگر ما کارگران غیررسمی نفت روز جهانی کارگر را به همگان شادباش می‌گوییم. ما قبلاً اعلام کرده بودیم که به دلیل عدم اجرایی شدن وعده‌های داده‌شده، راهی جز اعتراض گسترده در مقابل ما قرار ندارد.

روز جهانی کارگر یک روز اعتراض سراسری است و بهترین فرصت است که با صدایی بلندتر و هصدای باهم طبقه‌های‌ایمان خواست‌هایمان را اعلام کنیم.

ما برده نیستیم و اجازه نمی‌دهیم که از بالای سر ما زندگی و معیشت مان رقم‌زده شود.

آلت‌ناتیب ما همان‌طور که کارگران هفت‌تپه اعلام کرده‌اند، اداره شورایی است.

در عین حال ما به‌کلی این بساط تبعیض، نابرابری، اختلاس‌ها و دزدی‌ها و استثمار بدون حومرز حاکم بر جامعه اعتراض داریم.

ما جامعه‌ای می‌خواهیم که در آن شکاف طبقاتی نباشد. استثمار نباشد. جامعه‌ای که در آن رفاه و عدالت و شادی و برابری حاکم باشد.

ما همچنین بر خواست‌های فوری همین امروزمان تأکید کرده و بار دیگر اعلام می‌کنیم که خط فقر را قبول نمی‌کنیم و مزد هیچ کارگری نباید کمتر از ۱۲ میلیون باشد. ما برده نیستیم و قوانین ویژه اقتصادی باید لغو شوند و دست پیمانکاران باید از سر ما کارگران کوتاه شود. ما خواستار آزادی بدون قید و شرط همه زندانیان سیاسی هستیم.

در یک‌کلام ما همبستگی خود را با بیانیه‌ها و قطعنامه‌های اول ماه مه که همچون هر سال انتشار می‌یابد اعلام می‌کنیم.

زنده باد سوسیالیسم

واکسن پولی بر فراز لبه تیغ مرگ

خود را شکست. کلیه بیمارستان ها از بیماران بدحال کرونایی پر شده اند. در راهروها هم دیگر جایی برای پذیرش بیماران نیست. مسئولان بیمارستان مسیح دانشور، از ایجاد بیمارستان صحرائی خبر داده اند. پرستاران و کادر درمانی، به شدت خسته و فرسوده شده اند. پزشکان به دلیل کمبود اکسیژن و کمبود تخت های آی سی یو، در مواردی مجبور به گزینش افراد بیمار از میان بیماران وخیم و وخیم تر شده اند. در وضعیتی چنین مرگبار، دولت جمهوری اسلامی اما بدون کمترین اقدام موثر در امر واکسیناسیون همگانی و رایگان، تنها با صدور بیانه های خبری، نظاره گر جان باختن هر روزه صدها نفر از توده های مردم ایران است.

طبق آخرین اطلاعیه وزارت بهداشت، از ۳۱ استان کشور، وضعیت ۲۵ استان "وخیم" گزارش شده اند. بر اساس همین اطلاعیه که روز یکشنبه ۵ اردیبهشت انتشار یافته است، ۳۰۱ شهر ایران در وضعیت قرمز، ۹۵ شهر در وضعیت نارنجی، ۴۵ شهر در وضعیت زرد و ۷ شهر در وضعیت آبی قرار دارند. در همین روز تعداد ۴۵۴ نفر هم جان باخته اند که بیشترین آمار رسمی دولتی از ابتدا تا به امروز است. آمار رسمی قربانیان کرونا در ۱۵ ماه گذشته هم به ۷۰ هزار نفر رسیده است. آمارهایی که جعلی بودن آن دیگر برای همگان روشن است. برای نمونه ایرج حریرچی، مدیر کل وزارت بهداشت، آمار واقعی فوتی های روزانه را دو و نیم برابر و سازمان نظام پزشکی کشور نیز تعداد جانباختگان را دست کم سه برابر میزان آمارهای دولتی اعلام کرده اند. با پیک چهارم کرونا، نارضایتی و هشدارها نسبت به ناکارایی جمهوری اسلامی در مهار شیوع کرونا و بی مسئولیتی دولت در تامین واکسن و واکسیناسیون عمومی از هر سو بلند شده است.

علاوه بر وضعیت مرگبار موجود، مشکلات معیشتی و اقتصادی نیز به شدت بر گلوی توده های اعماق جنگ انداخته و زندگی را به کام آنان زهر کرده است. بسیاری از کارگران و زحمتکشان، شغل شان را از دست داده اند. کسانی نیز همانند دستفروشان و کارگران فصلی، دچار بحران های اقتصادی جبران ناپذیری شده اند. کمبود و گرانی و تورم افسار گسیخته نیز از هر سو بر سر توده های تهیدست آوار شده است.

در چنین وضعیت مرگباری که روزانه بیش از ۲۵ هزار نفر به کوید ۱۹ مبتلا می شوند و بیش از ۴۵۰ نفر نیز به طور رسمی قربانی ویروس کرونا می شوند، دولت جمهوری اسلامی با وقاحت کم نظیری دستان خون آلود خود را بر گلوی زخمی مردم فشرده و آنان را مقصر پیک چهارم کرونا معرفی می کند. رژیم آمکنشی که در اوج پاندمی کرونا، بدون کمترین پشتیبانی مالی، مردم را به حال خود رها کرده و این روزها نیز با گرفتن انگشت اتهام به سمت توده های مردم، به صورت آن ها سلی می زند. دولت بی کفایتی که مردم بیکار و گرسنه و بی معاش را بدون کمترین پشتیبانی مالی به خانه نشینی دعوت می کند و اکنون با بی شرمی تمام بر آنان نهیب می زند، که چرا پروتکل های بهداشتی را رعایت نمی کنند؟ چرا از خانه هایشان

بیرون می آیند؟ چرا در صف های طولانی مرغ و روغن و شیر می ایستند؟ چرا در اتوبوس ها و متروها، گوش تا گوش کنار هم نشسته و ایستاده اند؟ دولت ورشکسته و رسوایی که با فروش مرگ ارتزاق می کند و اکنون با بی شرمی تمام از خود سلب مسئولیت کرده و مردم را در ایجاد پیک چهارم اپیدمی کرونا مقصر قلمداد می کند. مردمی که از بی اعتنایی دولت خسته و وامانده شده اند. مردمی که از تامین معاش خود باز مانده اند، کارگران و زحمتکشانی که فوج فوج بیکار شده اند، بیکار شدگانی که برای تهیه لقمه نانی از خانه بیرون می روند، میلیون ها کارگر و کارمندی که اگر یک روز سر کار نروند، مزد و حقوق شان پرداخت نمی شود، دستفروشان که روزانه برای معاش و زنده ماندن خود در گوشه و کنار خیابان ها بساط پهن می کنند، در متروها پرسه می زنند و در کوچه پس کوچه های شهر به جستجوی لقمه نانی سرگردانند.

حال در چنین وضعیت اسفباری که همگان حتی خود حسن روحانی در نمایش های تلویزیونی از بدتر شدن اوضاع با شیوع احتمالی ویروس جهش یافته کرونا در هند هشدار می دهد، آنوقت همین دولت آمکنش اعلام کرده است: طرح ممنوعیت ترافیکی و ممنوعیت تردد از ۹ شب تا ۳ صبح در برخی از شهرها از جمله تهران برای عزاداری در شب های قدر برداشته خواهد شد.

وقتی دولت جمهوری اسلامی تا بدین حد دغل باز و ربکار است، وقتی دولتی این چنین آشکارا مردم مذهبی را در شب های قدر به قتلگاه کرونا می فرستد، وقتی دولتی این چنین بی مسئولانه امر واکسیناسیون رایگان و عمومی را به هیچ گرفته است، آنوقت انتظار رعایت پروتکل ها و دستورالعمل های بهداشتی وزارت بهداشت در نزد مردم آنچنان بی اعتبار است که حتی علیرضا زالی، فرمانده ستاد مقابله با کرونا نیز بر ناممکن بودن اجرای پروتکل ها از طرف مردم اذعان کرده است. زالی، در پاسخ به کسانی که بدون پشتیبانی مالی، بدون تامین معاش و دارو و درمان رایگان از مردم گرسنه و بیکار و بی معاش انتظار دارند در خانه بمانند و پروتکل های بهداشتی را رعایت کنند، گفته است: "انتظار رعایت شیوه نامه های بهداشتی از این افراد شوخی است. خیلی ها می گویند، ما از فقر می میریم، بگذارید از کرونا بمیریم."

در واقع سخنان علیرضا زالی، اعتراف روشنی از خستگی، فرسودگی و بی اعتمادی مردم جان به لب رسیده ای است که از تامین معاش روزانه خود باز مانده اند و در شرایط وخامت بار کنونی، مرگ از کرونا را بر مردن در فقر و گرسنگی ترجیح می دهند. مردمی که در چنگال ویروس کرونا فوج کشته می شوند، مردمی که در میانه مرگ و زندگی به واکسیناسیون رایگان، فوری و همگانی دل بسته بودند، اما این امید و دل بستگی آنان نیز، به یکباره با بحث پولی شدن واکسن کرونا در سیاه چاله بی مسئولیتی دولت جمهوری اسلامی به تباهی رفت. تهیه قطره چکانی واکسن کرونا، طرح پولی شدن واکسیناسیون و وعده های توخالی دولت آمکنش جمهوری اسلامی در تهیه و تولید واکسن داخلی، موجی از سرخوردگی، ناامیدی، بی اعتمادی، و حتی هشدار و اعتراض را دامن زده است. مینو محرز، عضو ستاد علمی مقابله با کرونا این اقدام دولت را "فاجعه بار" خوانده است. او در مورد این "اتفاق عجیب و غیر باور کابینه حسن روحانی گفته است، در هیچ جای دنیا سابقه چنین اقدامی وجود

ندارد که: "بخش خصوصی باید واکسن تهیه کند، دولت از بخش خصوصی واکسن بخرد و به طور رایگان به مردم بدهد!"

در واقع ماجرا از آنجا آغاز شد که بعد از سخنان حسن روحانی مبنی بر دادن مجوز به بخش خصوصی برای واردات واکسن کرونا، هلال احمر طی اطلاعیه ای ضمن تأیید پولی شدن واکسن کرونا اعلام کرد: "این جمعیت در روزهای آتی واکسن کرونا وارد می کند، اما این واکسن رایگان نخواهد بود." در پی صدور اطلاعیه هلال احمر، سخنگوی ستاد مقابله با کرونا و معاون وزارت بهداشت نیز خبرهای پولی شدن واکسن کرونا را برای کسانی که بخواهند خارج از نوبت واکسن بزنند، تأیید کرد. علیرضا رئیسی، با بیان اینکه برخی عجله دارند و صبر نمی کنند تا طبق سند ملی واکسیناسیون، واکسن دریافت کنند، گفت: "این افراد برای دریافت واکسن کرونا به خارج از کشور مراجعه می کنند که ممکن است از آنها کلاهبرداری شود و یا اصلا واکسن نقلی به آنها تزریق شود، بر همین اساس، ستاد ملی مقابله با کرونا مجوز داده تا افراد و یا شرکتها با ارز نیمایی، واکسن وارد کنند تا افرادی که نمی توانند طبق سند ملی واکسیناسیون، منتظر دریافت واکسن باشند از واکسن های وارد شده توسط این افراد استفاده کنند و پول آن را نیز پرداخت کنند."

ماجرا اما با سخنان حیدر محمدی، مدیر کل دارو و مواد تحت کنترل سازمان غذا و داروی ایران در یک گفت و گوی رادیویی تکمیل تر شد. محمدی، ضمن تأیید گفته های سخنگوی ستاد ملی مقابله با کرونا گفت: "حدود ۴۵ شرکت درخواست واردات واکسن داشتند که در حال تکمیل مدارک خود هستند و از این بین، دو شرکت مدارک نهایی خود را آماده کرده اند. ضمن اینکه سه نمایندگی استرژانکا، بهارات و بهستان دارو در کشور اقدام به واردات کرده اند." حیدر محمدی در ادامه صحبت های رادیویی خود اعلام کرد: "برخی شرکت ها که خواستار واردات واکسن با ارز نیمایی هستند، اجازه دارند واکسن را به داروخانه ها بدهند و مردمی که [بخوان ثروتمندان] در لویت قرار ندارند، می توانند این واکسن را با قیمت ۲۰۰ تا ۳۰۰ هزار تومان از داروخانه ها تهیه کنند. اگرچه هنوز واکسنی با این شرایط وارد کشور نشده است." دادن مجوز خرید واکسن کرونا به بخش خصوصی و اینکه این واکسن ها با قیمت حدود ۲۰۰ تا ۳۰۰ هزار تومان جهت فروش به داروخانه ها تحویل داده خواهد شد، حرف مفتی بیش نیست. این سخنان مفت مقامات دولتی و وزارت بهداشت در شرایطی مطرح می شوند که هم اینک رسانه ها از فروش واکسن های وارداتی دولت به قیمت ۵۰ تا ۶۰ میلیون تومان در خیابان های ناصر خسرو تهران گزارش می دهند. پوشیده نیست اقدام دولت جمهوری اسلامی در دادن مجوز واردات واکسن کرونا به بخش خصوصی ادامه همان سیاست بی مسئولیتی هیئت حاکمه ایران نسبت به جان و سلامت توده های مردم ایران است. مردمی که از آغاز شیوع پاندمی کرونا تا به امروز بی کمترین پشتیبانی مالی دولت به حال خود رها شده اند. مردمی که با دادن ۲۰۰ هزار کشته کرونایی، همه امیدشان بر خورداری از واکسیناسیون مطمئن، سریع، رایگان و همگانی بود، که آن هم با بی توجهی دولت جمهوری اسلامی به ناامیدی کشیده شده است.

واکسیناسیون رایگان، سریع و همگانی حق مسلم و

به حوزه‌های علمی و دیگر نهادهای مرتجع مذهبی می‌بخشد! البته ناگفته نماند که حتی پیش از کرونا نیز از آموزش و پرورش جز ویرانه‌های باقی‌نمانده بود و هزینه مدارس (دولتی) به‌غیر از حقوق معلمان را والدین دانش‌آموزان مجبور به تأمین آن بودند.

تورم و گرانی در حالی این چنین افسار گسیخته که از طرف دیگر به دلیل شیوع گسترده کرونا در روزهای اخیر بسیاری کار و تنها راه معاش خود را از دست داده‌اند، همچنین بسیاری از افراد نیز به دلیل نوع قراردادهای‌شان در مدتی که محل کارشان به دلیل قرنطینه تعطیل است، حقوقی دریافت نمی‌کنند. کسانی نیز که برای خود کار می‌کردند مانند آرایشگران و غیره با اعلام قرنطینه، بدون هیچ‌گونه حمایت دولتی رها شده و تنها راه معاش خود را از دست داده‌اند، آن‌هم در حالی که بسیاری از آن‌ها همچنان مجبور به پرداخت کرایه محل کارشان هستند.

این است واقعیت امروز زندگی کارگران و زحمتکشان. این است نتیجه آن همه وعده، از "آب و برق مجانی" تا این‌که "خانه‌نخرید هم‌تان را صاحب‌خانه می‌کنیم" و بالاخره تا "پول نفت" پولی که قرار بود بر سر سفره مردم بیاید اما برعکس آن‌چه هم که بر سر سفره کارگران و زحمتکشان بود پرکشید و رفت.

نظام سرمایه‌داری در ایران به همت حکومت اسلامی یکی از خشن‌ترین و بوحضرت‌ترین اشکال خود را به نمایش گذاشته است. در این نظام ثروتمندانی هستند که در کاخ‌هایی رویایی زندگی می‌کنند و از یک زندگی افسانه‌ای برخوردارند، همان‌ها که تنها در طول دو سال اخیر به اعتراف یکی از همین مقامات دولتی (مسعود خوانساری) ۱۰۰ میلیارد دلار پول از کشور خارج کرده‌اند. فساد تمام تاروپود این نظام را فرا گرفته است، اموال عمومی تاراج شده و به یغما رفته‌اند. همه چیز در حال فروپاشی است. مصائب و معضلات اجتماعی ابعاد غیرقابل‌تصویری به خود گرفته و هر بار خبرها و آمارهایی فوق‌تصور در این ارتباط منتشر می‌شود.

حکومتی که برای درمان و آموزش و پرورش پولی ندارد، حکومتی که در طول تمام این سال‌ها دستمزدهای واقعی کارگران را کاهش داده است، حکومتی که معلمان و دهقانان و دیگر زحمتکشان جامعه را به فقر رانده و یک چهارم جمعیت امروز در حاشیه شهرها زندگی می‌کنند که حتی بسیاری از آن‌ها به آب آشامیدنی سالم دسترسی ندارند، حکومتی که در عوض یک نیروی نظامی فربه دارد که برای بقای خود مدام آن را فربه‌تر می‌کند، حکومتی که در عوض پول دارد تا موشک بسازد و میلیاردها دلار پول مردم را به دلیل ماجراجویی‌های هسته‌ای که مردم ایران نه منفعی در آن دارند و نه حامی آن هستند، دور بریزد، به‌نحوی که وزیر راه سابق کابینه روحانی از به هدر رفتن ۴۰۰ میلیارد دلار سخن گفته است. حکومتی که در عوض پول دارد تا در سوریه بجنگد و با دادن نفت مجانی خرج دولت بشار اسد را بدهد، حکومتی که در عوض پول دارد تا همه هزینه‌های حزب‌الله لبنان از جمله حقوق مزدوران آن را بدهد.

حکومت اسلامی دشمن مردم است، دشمنی جنایتکار و فاسد، دشمنی که باید برای یک زندگی نو، برای پایان دادن به همه‌ی این شوربختی‌ها، سرنگون‌اش ساخت و بر ویرانه‌های آن حکومت شورایی کارگران و زحمتکشان را برپا کرد.

گزارش مرکز آمار، قیمت کالاهای وارداتی در طول یک سال ۵۸۸/۸ درصد افزایش یافته است (۱۴ اسفند) و در همین بازه زمانی تورم قیمت کالاهای صادراتی نیز ۲۰۹ درصد اعلام شده است! جالب آن‌که دژپسند وزیر اقتصاد جمهوری اسلامی در یک برنامه تلویزیونی علت گرانی‌ها را افزایش بهای دلار دانسته و گفته بود "۷۰ تا ۸۵ درصد واردات مربوط به کالاهای واسطه‌ای و مواد اولیه بوده است که وقتی قیمت این قبیل کالاها متاثر از افزایش قیمت ارز افزایش می‌یابد این افزایش در پروسه تولید می‌نشیند و قیمت کالاهای تولید شده را زیاد می‌کند".

اما نه فقط مواد خوراکی و دیگر کالاها که مسکن و درمان و دیگر هزینه‌های یک خانواده کارگری نیز بسیار افزایش یافته است. متوسط بهای هر مترمربع واحد مسکونی در تهران در اسفند ۹۹ به بالای ۳۰ میلیون تومان رسید، به عبارت دیگر بهای یک خانه ۸۰ متری به‌طور متوسط در تهران به بیش از ۲ میلیارد و ۴۰۰ میلیون تومان رسید. در سال ۹۰ بهای همین خانه ۱۵۸ میلیون تومان بود که در سال ۹۸ به ۱ میلیارد و ۱۳۲ میلیون تومان رسیده بود!

همچنین به اعتراف خبرگزاری دولتی ایلنا نرخ تورم بخش درمان در ایران ۱/۵ تا ۲ برابر نرخ تورم عمومی است. این خبرگزاری در گزارشی می‌نویسد: "اگر تورم عمومی سال جاری آن‌گونه که ارزیابی شده در سطح ۳۲ درصد باشد، میزان تورم بخش درمان، چیزی در حدود ۶۰ درصد است. البته میزان تورم سال ۱۴۰۰، تا ۴۰ درصد هم برآورده می‌شود که در نتیجه تورم بخش درمان به ۸۰ درصد هم می‌رسد". به نوشته‌ی این خبرگزاری با توجه به این‌که تعرفه درمان در سال جاری (۱۴۰۰) بین ۵/۵ تا ۲ برابر سال‌های گذشته افزایش یافته است و با توجه به نقش تعرفه درمان در تورم بخش درمان، پیش‌بینی می‌شود که نرخ تورم در بخش درمان از سال‌های قبل نیز فراتر رود. این خبرگزاری به‌غفل از فرامرز توفیقی (رئیس کمیته دستمزد کانون عالی شوراهای اسلامی کار) می‌نویسد: "اینکه زمانی می‌گفتند بیمه‌ها باید ۷۵ درصد هزینه‌های درمان را بپردازند، دیگر مصداق ندارد... زمانی که قبض هزینه یک خدمت درمانی را دریافت می‌کنید، می‌بینید که اگر تعرفه‌اش در بخش خصوصی ۵۰ هزار تومان است، ۳۹ هزار تومان سهم بیمه شده و ۱۱ هزار تومان سهم بیمه است، در صورتی که باید ۲۵ درصد را بیمه شده و ۷۵ درصد آن را بیمه پرداخت کند... امروز خدمت گرفتن از دندان‌پزشک به یک کالای لوکس تبدیل شده است دیگر دندان را به عنوان یکی از اصول اولیه زندگی نمی‌شناسند، چراکه بیمه پایه به شدت در آن محدود شده است. بیمه‌گر پایه دیگر تعهداتش را در حوزه دندان به عهده نمی‌گیرد".

افتادن بار هر چه بیشتر هزینه‌های درمان بر دوش کارگران و زحمتکشان به این دلیل است که جمهوری اسلامی سال به سال در اشکال و به بهانه‌های گوناگون از بودجه این امور کاسته است. موردی که در آموزش و پرورش نیز به‌خوبی می‌بینیم. شرایط در آموزش و پرورش آن‌قدر فاجعه‌بار شده است که به اعتراف همین مقامات دولتی ۵ میلیون دانش‌آموز به دلیل عدم توانایی برای استفاده از آموزش مجازی عملاً امکان تحصیل را از دست داده‌اند و دولت هیچ اقدامی برای رفع مشکل این ۵ میلیون دانش‌آموز انجام نمی‌دهد، اما در عوض هزاران میلیارد تومان پول همین مردم را

از صفحه ۱

گرانی، تورم، بلای جان مردم

خالیه"، "گرانی، تورم، بلای جان مردم"، "تنها کف خیابون، بدست می‌آد حق‌مون" و "تنها ره رهایی، از سفره‌های خالی، فریاد در خیابان". زمانی بود که وقتی به مرغ فروشی می‌رفتی، از فروشنده می‌خواستی مرغ را برایت تمیز کند. فروشنده نیز مرغ را چند تکه کرده و سپس پوست مرغ را جدا کرده و دور می‌انداخت. تمیز کردن مرغ به این شکل یک امتیاز برای مرغ‌فروشی بود تا مشتری بیشتری جذب کند و در عین حال مرغ را هم بابت این کار "اضافه" کمی گران‌تر بفروشد. اما امروز همین پوست‌ها را که دور انداخته می‌شد، مردم باید ۸ هزار تومان بابت هر کیلو پول بدهند و بخزند. کافیست در نظر داشته باشیم که در ابتدای کابینه روحانی مرغ کیلویی ۶۴۰۰ تومان بود! امروز قیمت یک کیلو مرغ بالای ۴۰ هزار تومان است و در برخی مناطق به ۵۰ هزار تومان رسیده است.

البته مرغ یک استثناء نیست. بهای گوجه سبز به کیلویی ۱۲۵ هزار تومان رسیده است! براساس آمارهای رسمی بانک مرکزی و مرکز آمار که باز پایین‌تر از واقعیت‌ها هستند، در ۷ سال کابینه‌ی روحانی بهای کره پاستوریزه ۷۳۹ درصد افزایش داشته است.

بهای خیار ۵۶۸ درصد، چای خارجی ۵۴۱ درصد، تخم‌مرغ ۴۹۳ درصد، قند ۴۸۸ درصد، ماست پاستوریزه ۴۷۹ درصد، کدو سبز ۴۵۰ درصد، روغن نباتی ۴۲۵ درصد، پنیر پاستوریزه ۴۲۳ درصد و شیر پاستوریزه ۴۰۱ درصد در همین دوره افزایش یافته‌اند. بهای روغن نباتی تنها در طی سال گذشته ۱۴۰ درصد افزایش یافت و بهای برنج خارجی تنها طی چند ماه دو برابر شد. حسن روحانی همین چند روز پیش (۲ اردیبهشت) گفت: "برای اینکه بتوانیم غذا و پروتئین مورد نیاز مردم را تأمین کنیم باید بیشتر به سمت آبیان حرکت کنیم. اگر بتوانیم این‌ها را به قیمت و اندازه مناسب در اختیار مردم قرار دهیم تا عادت مردم از گوشت قرمز و مرغ به سمت آبیان حرکت کند، تحول بزرگی است". او در حالی با وقاحت این سخنان را بر زبان آورد که به‌گفته‌ی مهدی یوسف‌خانی رئیس اتحادیه پرنده و ماهی "نرخ ماهی به دلایل نامعلوم نسبت به مدت مشابه سال قبل ۳۰۰ درصد رشد داشته است" (روزنامه آفتاب اقتصادی ۱۴ اسفند). به گزارش روزنامه دنیای اقتصاد قیمت هر کیلو قزل‌آلا ۵۰ تا ۶۰ هزار تومان، ماهی حلوا ۲۰۰ تا ۲۳۰ هزار تومان، سالمون ۶۵ تا ۸۰ هزار تومان و ماهی سفید ۲۲۰ تا ۲۵۰ هزار تومان شده است که نسبت به سال قبل بیش از ۲ برابر افزایش یافته است (۱۴ اسفند). به‌گفته‌ی مجتبا شادلو عضو هیات مدیره اتحادیه باغداران "قیمت کود در یکسال ۵ برابر شده و قیمت تراکتور از ۷۰ تا ۸۰ میلیون تومان سال گذشته به ۵۰۰ میلیون تومان رسید" (۱۷ اسفند). وی همچنین گفت: "تا این موقع سال به‌طور معمول باید ۷۰ درصد میوه‌های پاییزه در بازار به فروش می‌رسید اما در سال جاری به دلیل این‌که قدرت خرید مردم کاهش یافته تنها ۳۰ درصد از تولیدات در بازار فروش رفته و ۷۰ درصد آن در سردخانه‌هاست".

به‌گزارش خبرگزاری دولتی ایسنا و براساس

گوشه‌هایی از جنایت و سرکوب جمهوری اسلامی به روایت گزارش‌های بین‌المللی

واکسن پولی بر فراز لبه تیغ مرگ

از صفحه ۵

غیر قابل انکار توده‌های مردم ایران است. دولت جمهوری اسلامی اما با اهمال و سهل‌انگاری، و با وقت‌کشی تعمدی در امر واکسیناسیون همگانی، جان مردم را به بازی گرفته است. آمارها گویای اجرای این بازی مرگبار هیئت حاکمه ایران در مقابل توده هاست. به گفته مقام‌های بهداشتی از جمعیت ۸۴ میلیون نفری ایران تا کنون فقط حدود ۷۰۰ هزار نفر واکسینه شده‌اند. میزان واکسن وارداتی نیز تا کنون کمتر از ۲ میلیون دوز گزارش شده است. ۴۵۰ هزار دوز از روسیه، ۶۵۰ هزار دوز از چین، ۱۲۵ هزار دوز از هند و حدود ۷۰۰ هزار دوز واکسن آسترانکا از کره جنوبی. بقیه ادعا‌های مسئولان جمهوری اسلامی، فقط شعارهای تلویزیونی و وعده‌های مفتی هستند که هر روزه از زبان حسن روحانی و دیگر مسئولان بهداشتی کشور تکرار می‌شوند.

در واقع، صدور مجوز واردات واکسن کرونا به بخش خصوصی و طرح پولی شدن واکسیناسیون، همراه با حرکت لاکپشتی دولت جمهوری اسلامی در امر واکسیناسیون رایگان، مطمئن، سریع و همگانی، تداوم اجرای سیاست تا کنونی دولت در قرار دادن جان مردم بر لبه تیغ مرگ است. پوشیده نیست این سیاست جنایتکارانه دولت جمهوری اسلامی فقط با اعتراض عمومی و بسیج همگانی توده‌های مردم ایران متوقف خواهد شد. اعتراضی عمومی همراه با مطالبه واکسیناسیون رایگان و همگانی که می‌بایست در کف خیابان‌ها شکل گیرد.

حتا خانواده و بستگان این روزنامه‌نگاران را دستگیر و به زندان انداخته است. رژیم حتا از ربودن فعالان رسانه‌های خارج از کشور دریغ نکرده و تعدادی را پس از آذربایلی به ایران منتقل و محاکمه و حتا اعدام کرده است.

این دو گزارش گوشه‌های از ستمی که بر مردم ایران می‌رود انعکاس می‌دهند. توده‌های مردم ایران، گفته‌های این گزارش‌ها را در زندگی روزمره خود تجربه می‌کنند و بر ناگفته‌های این گزارش‌ها نیز واقفند، اما اعلام رسمی چنین اطلاعاتی از سوی نهادهای بین‌المللی یک بار دیگر بر واقعیت‌های تلخی انگشت می‌گذارند که کارگران و زحمتکشان تمام پیمادهای رنج‌بار آن را با گوشت و پوست خود حس می‌کنند. از یک سو گرفتار در گرداب جنایت و سرکوبی که بر اثر حاکمیت رژیم جنایتکار هستی آنان را در کام خود فرو برده است؛ از سوی دیگر، بی‌حقوقی کامل برای فریاد از بیدادی که بر آن‌ها می‌رود. گرچه برای فریاد از بیدادها و رهایی از شر حکومتی چنین جلا و سرکوبگر نیازی به اجازه حاکمان جمهوری اسلامی ندارند. آنان سال‌هاست از هر امید و توهمی برای اندک اصلاح و تغییری در ماهیت این رژیم دست کشیده‌اند و تنها راه برون‌رفت را سرنوختنی انقلابی رژیم می‌دانند. ناگفته روشن است که عمر ننگین این رژیم هر چه کوتاهتر شود، قربانیان آن کمتر خواهند بود. باشد آن روز به زودی فرارسد و توده‌های کارگر و زحمتکش هر چه زودتر با برقراری حکومت شورایی به نان، کار و آزادی، شادی، رفاه دست یابند.

گزارش "سازمان گزارشگران بدون مرز" است که ایران را "یکی از سرکوبگرترین کشورها برای روزنامه‌نگاران" دانسته است. این گزارش که به بررسی وضعیت آزادی مطبوعات در ۱۸۰ کشور پرداخته است، ایران را در رتبه ۱۷۴ ردمبندی کرده است که نسبت به سال گذشته یک رتبه تنزل یافته است. در ایران، تمام رسانه‌های چاپی، اینترنتی، رادیو و تلویزیون داخلی تحت نظارت و کنترل دستگاه سانسور رژیم قرار دارند. خبررسانی مستقل و صحیح توسط خبرنگاران ممنوع و مشمول مجازات است. جاسوسی علیه مردم در فضای مجازی، محدودسازی و کنترل دسترسی به اطلاعات، در دستور کار روزانه دستگاه‌های اطلاعاتی - امنیتی و نظامی رژیم قرار دارد. در مقاطعی، نیز، برای جلوگیری از نشر اطلاعات و خبررسانی و سرکوب معترضان در سکوت خبری، اینترنت را کاملا و گاهی به مدت طولانی قطع می‌کنند. گزارش همچنین اشاره دارد که خبرنگاران در پی محاکمه‌های غیرعادلانه به زندان‌های طولانی مدت محکوم می‌شوند.

پس از همگیری ویروس کرونا، در اوایل سال میلادی گذشته در سراسر جهان، آزادی مطبوعات و نشر اطلاعات و اخبار درست، با سرکوب دولت‌ها روبرو بوده است. به گفته این سازمان، روزنامه‌نگاری در بیش از ۱۳۰ کشور جهان به طور کامل یا نسبی مختل شده است. روندی که در برخی کشورها شستی بیش از پیش گرفته است.

در جمهوری اسلامی، از همان روزهای نخستین، پوشش خبری درباره اپیدمی به امری "امنیتی" تبدیل شد و نه تنها روزنامه‌نگاران بلکه نهادهای کادر درمانی و پزشکی نیز از نشر اطلاعات منع شده و در صورت نقض، مورد پیگرد قضایی قرار گرفته‌اند. گزارشگران بدون مرز نیز در این مورد معتقد است، ایران یکی از "سخت‌ترین سانسورها در جهان را در مورد پوشش خبری کرونا به اجرا گذاشت". بنا به گزارش: "سرکوب اطلاعات، پخش اطلاعات نادرست، دروغ‌های رسمی - روش‌های مورد استفاده‌ی همیشگی جمهوری اسلامی طی بحران‌ها و بلایا - بار دیگر از زمان آغاز پاندمی کرونا گسترش یافته است." در ادامه می‌آید: پس از انکارهای اولیه، "زمانی که حقیقت آشکار شد، دولت تمام تلاش خود را به کار برد تا جریان اطلاعات درباره بحران را محدود سازد. چندین خبرنگاری که جزئیات غیررسمی درباره بحران را منتشر ساختند، احضار، بازجویی و متهم به «شبیوع شیاعت» شدند." گزارش ادامه می‌دهد: "تمایل برای آن که به جهان نشان دهند ایران بهتر از غرب با بحران مقابله کرده است، پخش اطلاعات نادرست حکومتی (طبق ارقام رسمی ۷۰ هزار مبتلا و ۴۵۰۰ مورد مرگ) زندگی میلیون‌ها ایرانی را در مخاطره قرار داد."

به گفته این سازمان، جمهوری اسلامی از آن زمان [آغاز اپیدمی کرونا] یکی از شدیدترین سانسورها را در پوشش خبرهای مربوط به اپیدمی انجام داده و در عین حال یکی از عاملان اصلی روندی است که سازمان ملل متحد آن را «همگیری پخش اطلاعات نادرست» می‌نامد.

بنا به این گزارش، ایران نه تنها در داخل کشور، بلکه در خارج از مرزها نیز "فشار زیادی را بر روزنامه‌نگاران ایرانی" وارد می‌کند. در مواردی

نگاهی به اتهامات فوق، گفته‌های این نهاد را تأیید می‌کند. برای نمونه، شاید در هیچ کشوری به جز ایران، "نوشیدن مشروبات الکلی" جرمی مستحق مجازات اعدام دانسته نشود. گذشته از آن، درباره صحت اتهاماتی همچون قتل و مواد مخدر نیز تردید بسیار وجود دارد، چنان‌که نوید افکاری که در اعتراضات مرداد ۹۷ دستگیر شد، به "اتهام ارتکاب قتل" محاکمه و اعدام شد یا طبق برخی گزارش‌ها، در بیدادگاه‌های جمهوری اسلامی از "اتهام مواد مخدر" برای صدور و اجرای حکم اعدام در مورد زندانیان سیاسی - عقیدتی نیز استفاده می‌شود.

حتا اگر بتوان برخی از جرایم عادی منتسب به قربانیان اعدام در ایران را وارد دانست، علت اصلی گستردگی بزهکاری‌های فوق را باید در درجه اول در رشد ناهنجاری‌های اجتماعی از جمله فقر و بیکاری و رواج زن‌سنیزی و خشونت سیستماتیک علیه زنان جستجو کرد که مسبب اصلی آن جمهوری اسلامی است. همچنین بررسی پرونده‌های قتل نشان می‌دهد، برخی از موارد، قتل غیرعمد بوده است که در نزاع‌ها روی داده‌اند، اما دادگاه‌های اسلامی بدون توجه به شرایط و شواهد، تنها برای اجرای قانون ارتجاعی قصاص، متهمان را به اعدام محکوم کرده‌اند. در موارد دیگری، قضایی‌های دادگاه‌های اسلامی بدون توجه به قوانین بین‌المللی، مبنی بر عدم استفاده از مجازات اعدام علیه افرادی که در هنگام وقوع جرم کودک محسوب می‌شوند، با استناد به سن بلوغ شرعی (۱۵ سال قمری) برای پسران و ۹ سال قمری برای دختران، برای کودکان نیز احکام اعدام صادر و اجرا می‌کنند، چنان که در آمار فوق نیز ۳ تن از اعدام‌شدگان هنگام ارتکاب جرم، زیر ۱۸ سال بوده‌اند.

بیش از ۴ دهه است دستگاه قضایی - امنیتی جمهوری اسلامی به اتهاماتی مانند "بغی"، "محاربه"، "جاسوسی"، "افساد فی‌الارض"، برای توجیه صدور و اجرای حکم اعدام علیه مخالفان متوسل می‌شود. از همین رو، عفو بین‌الملل در گزارش خود از کاربرد فزاینده مجازات اعدام توسط مقامات رژیم به عنوان سلاحی برای سرکوب سیاسی معترضان، تظاهرات‌کنندگان و اقلیت‌های ملی نام برده است.

همان‌گونه که مردم در ایران طی سالیان مدید تجربه کرده‌اند، توسل به قتل به ظاهر قضایی، تنها روش جمهوری اسلامی در کشتار مردم نبوده است. تنها در سال ۹۹ شمسی، بر اثر شلیک نیروهای نظامی و انتظامی ۳۷ کولبر و ۲۶ سوختبر کشته و ۱۰۷ کولبر و ۲۲ سوختبر زخمی شده‌اند. بر اثر انفجار مین‌های باقی‌مانده از دوران جنگ ارتجاعی ۱۲ نفر کشته و ۱۶ نفر زخمی شده‌اند. افزودن جان‌باختگان اعتراضات خیابانی و قربانیان شکنجه بر این آمار، دامنه‌ی جنایت و دمنشوی این رژیم را شاید و تنها شاید تصورپذیرتر کند؛ به ویژه در سالی که امواج ابتلا و کشتار مردم در ایران بر اثر کرونا (که عامل اصلی آن باز هم رژیم جمهوری اسلامی است) سهمگین شد و اکنون نیز سهمگین‌تر می‌شود. با توجه به این شرایط، دور از انتظار نیست، رژیمی که از نظر آمار اعدام سالانه در رأس جدول قرار دارد، از نظر آزادی بیان و مطبوعات در قعر جدول قرار گیرد.

گزارش دیگری که در روزهای اخیر منتشر شد،

گوشه‌هایی از جنایت و سرکوب جمهوری اسلامی به روایت گزارش‌های بین‌المللی

است. در این میان، ۸۸ درصد از کل اعدام‌ها در سطح جهانی در سال ۲۰۲۰ در ۴ کشور واقع در خاورمیانه و شمال آفریقا، یعنی ایران، مصر، عراق و عربستان سعودی رخ داده و در میان این کشورها، ایران با اجرای ۵۶ درصد احکام اعدام در رتبه اول قرار دارد. آمارهای این ۴ کشور به ترتیب عبارت است از: ایران (۲۴۶)، مصر (۱۰۷)، عراق (۴۵) و عربستان سعودی (۲۷). به این ترتیب، ایران بعد از چین، بالاترین میزان اعدام‌ها در سطح جهان را داراست. باید توجه داشت که این سازمان تعداد اعدام‌ها در ایران را **دستکم** ۲۴۶ نفر اعلام کرده است، زیرا به تأیید نهادهای حقوق بشری داخلی و بین‌المللی، تعدادی از اعدام‌ها مخفیانه انجام شده و به رسانه‌ها راه نمی‌یابند. در گزارش آمده است، خاورمیانه تنها منطقه‌ای در جهان است که در سال ۲۰۲۰ به اعدام ۱۶ زن دست زده است. این آمار در کشورهای خاورمیانه به این قرار است: ایران (۹)، مصر (۴)، عربستان سعودی (۲) و عمان (۱).

همچنین این سازمان اعلام کرده است: "زمانی آمار اعدام‌ها نگران‌کننده‌تر می‌شوند که احکام اعدام در خاورمیانه به طور منظم پس از محاکمات مغایر با استانداردهای محاکمات عادلانه صادر و اجرا می‌شوند." نگاهی به جزئیات این آمار نشان می‌دهد، از میان ۲۴۶ اعدام ثبت شده، ۱۹۴ نفر به اتهام قتل، ۲۳ نفر به اتهامات مرتبط با مواد مخدر، ۱۲ نفر به اتهام تجاوز، ۴ نفر به اتهام "قیام مسلحانه علیه حکومت" (بغی)، ۵ نفر به اتهام محاربه، ۲ نفر به اتهام قتل و تجاوز، ۲ نفر به اتهام "جاسوسی"، ۱ نفر به اتهام "افساد فی‌الارض" و ۱ نفر به اتهام نوشتن مشروبات الکلی اعدام شده‌اند. اتهامات ۲ نفر بر عفو بین‌الملل نامعلوم بوده است؛ یک مورد از این اعدام‌ها نیز در ملأعام صورت گرفته است. از نظر این سازمان، مردم در خاورمیانه در سال ۲۰۲۰ همچنان به اتهاماتی اعدام می‌شوند که اصولاً نبایستی جرم‌انگاری شوند یا به اتهاماتی که طبق قوانین بین‌المللی نبایستی با اعدام کیفر داده شوند. در صفحه ۷

برای ارتباط با **سازمان فدائیان (تبت)** نامه‌های خود را به آدرس زیر ارسال نمایند.

سونیس:

Sepehri
Postfach 410
4410 Liestal
Switzerland

کمک‌های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آن را به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس‌های سازمان ارسال کنید. شماره حساب:

نام صاحب حساب : Stichting ICDR

NL08INGB0002492097
Amsterdam, Holland

نشانی ما بر روی اینترنت:

<http://www.fadaian-minority.org>

پست الکترونیک E-Mail:

info@fadaian-minority.org

کانال آرشیو نشریه کار ارگان سازمان فدائیان
(اقلیت) در تلگرام:

<https://t.me/karfadaianaghaliyat>

آدرس کانال سازمان در تلگرام:

http://T.me/fadaian_aghaliyat

آدرس سازمان در اینستاگرام:

<https://www.instagram.com/fadaianaghaliyat/>

آدرس سازمان در توئیتر

<https://twitter.com/fadaiana>

آدرس سازمان در فیس بوک

<https://www.facebook.com/fadaian.aghaliyat>

t

آدرس نشریه کار در فیس بوک

<https://www.facebook.com/kar.fadaianaghaliyat>

[kar.fadaianaghaliyat](https://www.facebook.com/kar.fadaianaghaliyat)

ای میل تماس با نشریه کار:

kar@fadaian-minority.org

KAR Organization
Of Fadaian (Aghaliyat)
No 917 April 2021



shora.tv@gmail.com

تلویزیون دکراسی شورایی

فریاد رسای کارگران و تمامی انسان‌های
زحمتکش، شریف و ستم دیده‌ای است که
برای آزادی و سوسیالیسم پیکار می‌کنند

برنامه‌های تلویزیون دموکراسی شورایی از اول فوریه ۲۰۱۹ برابر با
۱۲ بهمن‌ماه ۱۳۹۷ بر روی شبکه تلویزیونی
Komala TV / Shora TV پخش می‌شود.

مشخصات ماهواره‌های شبکه تلویزیونی "کومله تی‌وی / شورا تی‌وی" بدین
قرار است:

ماهواره یاه ست (yahsat) فرکانس: ۱۱۹۵۷ سیمبل ریت ۲۷۴۸۰
پولاریزاسیون عمودی

ساعات پخش برنامه‌های تلویزیون دموکراسی شورایی:

دوشنبه: از ساعت ۹ تا ۱۱ شب

سه‌شنبه: بازپخش ساعت ۳ تا ۵ بامداد - ساعت ۹ تا ۱۱ صبح و ساعت ۳ تا ۵ عصر
چهارشنبه: از ساعت ۹ تا ۱۱ شب

پنجشنبه: بازپخش ساعت ۳ تا ۵ بامداد - ساعت ۹ تا ۱۱ صبح و ساعت ۳ تا ۵ عصر
جمعه: از ساعت ۹ تا ۱۱ شب

شنبه: از ساعت ۹ تا ۱۰ شب

شنبه: بازپخش ساعت ۳ تا ۵ بامداد - ساعت ۹ تا ۱۱ صبح و ساعت ۳ تا ۵ عصر
یکشنبه: بازپخش ساعت ۳ تا ۴ بامداد، ساعت ۹ تا ۱۰ صبح
و ساعت ۳ تا ۴ بعدازظهر

آدرس ایمیل: Shora.tv@gmail.com، شماره تلفن:

۰۰۴۵۲۶۹۹۲۱۸۷

<https://fadaian-aghaliyat.org> ، <https://tvshora.com>

فیس‌بوک: Shora shora، تلگرام: @tvshora

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی